

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

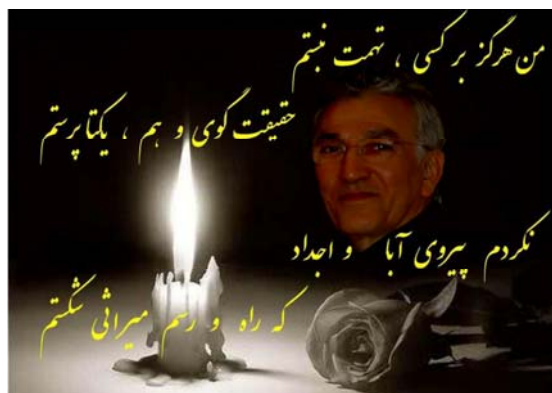
www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده
۲۴ جنوری ۲۰۲۰



انشاء بزم

قافیه تازه شدی باز تاب
ما که به هر مصراع یکی قافیه
قافیه تازه تر از برگ گل
تنگ تر از تنگ دهان نگار
گرم تر از گرمی آغوش یار
خیلی ملایم ز نسیم بهار
ساده تر از سادگی عاشقان
دلکش و جذاب و ملوس و ظریف
نازک و باریک، ز موی میان
خوشمزه تر از لب و کام و زبان
وای اگر قافیه شد بی حجاب
نقطه همینجا، که مبادا، (بشیر)
بس بنما «نعمت» از انشاء بزم

گرچه ثقیل و کمی هم تنگ یاب
حیف شدی بیت به بیت انتخاب
قافیه صاف تر از صاف آب
نرم تر از نرم لبان غناب
مست تر از مستی جام شراب
خیلی معطر ز گل و از گلاب
شوخ تر از شوخی فصل شباب
شنگ تر از عشوه و ناز شواب*
ناز و رقیقی که جگر را کباب
با نمک و بامزه تر، از رضاب*
بینی به شب کرده طلوع آفتاب
قافیه را بشکند آن ژرف یاب
نکته بگو، نکته رقم، باحساب

معانی بعضی از واژه ها:

بازتاب = درخشش ، انعکاس

تنگ یاب = چیزی که به دشواری به دست آید ، کمیاب

شواب = شایسته، زن جوان، زن جوان از سیزده تا سی سالگی

رضاب = آب دهن مکیده یا پاره های آب دهن در دهن مثلاً:

(چون اشک به روی عاشقان روان و رخشان و چون شمع بر بالین معشوق ریزان و درخشان، آرزومندتر از شراب

وصل نازکان و سودمندتر از رضاب لعل یارگان و مجازاً، عسل، کفک شهد، لعاب عسل)